



راهکارهای تقویت خلاقیت

قسمت دوم

الف: به کارگیری استراتژی تمرکز و سادگی:

خلاقیت باید فقط یک کار انجام دهد در غیر این صورت سردرگمی ایجاد می کند. اثر بخش بودن خلاقیت ها نشان می دهد که آنها ابتدا از جاهای کوچک شروع شده اند و خلاقیت پیش از آنکه حاصل نبوغ باشد، حاصل کار است. خلاقیت به دانش، مهارت و تمرکز نیاز دارد. در حقیقت نوآوران به ندرت در بیش از یک زمینه فعالیت دارند.

ب: آموزش خلاقیت:

خلاقیت و نوآوری امری است دائمی، بنابراین باید نهادینه و جزء کار و فرهنگ هر مجموعه باشد. هرگاه مدیران سطوح عالی و سیاستگذاران سازمان، خود به خلاقیت و نوآوری به عنوان فعالیت ضروری و حیاتی باور نداشته باشند، هیچ فعالیتی در این زمینه دوام نخواهد یافت. ایجاد هسته های نوآوری و تحقیقی این امر را تسهیل می کند. این باور نیاز به آموزش دارد.

« تافلر » مهمترین فعالیت و راه رویارویی با تحولات عظیم و زندگی آینده را برای پذیرش تغییر، آموزش می داند. آموزش مؤثر و پرمایه، تا به رشد و توانایی کافی در شغل با کارایی بیشتر بیانجامد. مدیران باید بدانند که یکی از هدف های مهم در محیط پرتلاطم و متغیر کنونی، آموختن شیوه های خلاقیت و نوآوری است.

پیوند سه جانبه ای بین تحقیق، توسعه و فن آوری وجود دارد.

تحولات فن آوری کارایی عوامل تولید را بالا می برد و بهره دهی را می افزاید و این امر خود عامل توسعه و رشد است و دستیابی به آن از سوی دیگر بدون تحقیق علمی ممکن نیست.

اما یافته های علمی صرف، در واقع فوت و فن تحقیق هستند ولی فرهنگ تحقیق محسوب نمی شوند. تحقیق و مطالعه علاوه بر انباشته علمی، القاء کننده روح و معرفت انسانی در هماهنگی ابزارهای فنی و آرمان های بشری نیز هست.



امروزه فن آوری در کنار سرمایه انسانی و سرمایه اقتصادی در زمره مهم‌ترین عامل‌های تولید و افزایش بهره‌وری در صنایع مختلف است و این فن آوری است که قدرت رقابت‌پذیری صنایع و کشورها را در بازارهای جهانی رقم می‌زند. در حالیکه هنوز هم بسیاری از مدیران صنعتی در کشورها، فن آوری را همان ماشین آلات و تجهیزات خطوط تولید و طرح‌ها می‌دانند، در کشورهای پیشرفته صنعتی، فن آوری به قول «اسکاپ» از چهار مؤلفه کلیدی سخت‌افزار- دانش‌افزار- مغزافزار (انسان‌افزار) و سازمان‌افزار تشکیل می‌شود. به عبارت دیگر هر فن آوری به منزله یک «بسته» است که از مؤلفه‌های کلیدی بالا برخوردار باشد.

فن آوری اما از سه رویکرد قابل اکتساب است:

- ۱- از راه تحقیق و پژوهش؛
 - ۲- از راه انتقال فن آوری (داخلی یا خارجی)؛
 - ۳- از راه همکاری‌های فن آورانۀ مثلاً سرمایه گذاری مشترک دو یا چند شرکت برای دستیابی به یک فن آوری معین.
- مثلاً در یک صنعت خاص مثل صنعت بالادستی نفت و گاز در کشورمان که در چالش بازارهای جهانی با دیدگاه‌های افزایش سودآوری از منظر بزرگان روبه‌روست (شرکت‌های بین‌المللی غول‌آسای نفتی) آیا تحقیق و پژوهش یعنی راه‌حل اول لزوماً چالاک‌ترین راه است؟!

در حالیکه می‌دانیم این امر زمان‌بر و پر مخاطره است و انتظار برای حصول نتایج آن گاه چندین سال طول می‌کشد. رویه مدیران عزیز ما هم حفظ و یا ارتقاء تولید در این شرایط است که ضرورت تحقیق را در حوصله اغلب آنها به صورت کلیدی نمی‌بینیم. این مسئله با بنیه ضعیف کشور در امر تحقیق تشدید می‌شود.

در این وضعیت چاره کار چیست؟

در پاسخ به این سؤال استراتژیک از هر دیدگاهی که نگاه کنیم چاره این است که میزان فعالیت‌های تحقیقاتی منجر به فن آوری و فعالیت‌های انتقال فن آوری (مثل قراردادهای Buy Back) به یک تعادل استراتژیک برسد. مثلاً ۲۰ درصد بودجه‌های فن آوری به تحقیق و پژوهش‌های راهبردی و ۸۰ درصد به انتقال فن آوری هوشمندانه تخصیص یابد. منظور از انتقال فن آوری هوشمندانه، رفع نیاز صنعت بالادستی تا حد ممکن از طریق دانشگاه‌ها (با برنامه علمی)، مراکز تحقیقاتی دولتی و شرکت‌های خصوصی پژوهشی داخلی با بیشترین سهم و کمترین سهم از شرکت‌ها و منابع خارجی می‌باشد. اما الزامات و سازوکارهای خاص آن چگونه باشد؟

- تعریف شفاف نیازهای فن آورانۀ صنعت بالادستی کشور و آگاهی رسانی آن از طریق یک نظام اطلاع‌رسانی فعال و اثربخش به مراکز دانشگاهی، پژوهشی و شرکت‌ها با هر بعد و اندازه‌ای؛ آیا تا کنون کار جدی در این زمینه شده است؟
- توجیه این مراکز با دادن سررشته‌ای از «بازاریابی فن آوری» و جستجوی مشتری مناسب برای فن آوری‌های تولیدی (محصولاتی هستند که مدت‌ها پس از تولید خاک خورده‌اند و مشتریان آنها به خصوص بخش دولتی سال‌هاست بودجه‌های پژوهشی را هدر داده است. بودجه‌هایی بی‌هدف اجرایی و راندامان‌گیری؛ یعنی عدم وجود یک پایگاه و بانک اطلاعات پژوهشی هوشمند).
- فرهنگ‌سازی در سطح گسترده مردمی برای حمایت سرمایه‌های اندک در بخش تولید فن آوری و صدور آن و تشویق مردم با حرکت بسیجی به سمت اهداف فن آورانۀ خاص. به هر حال در تاریخ این مرز و بوم حرکت‌هایی برق‌آسا و ناگهانی برای رسیدن به این فرهنگ عمومی شده است ولی به دلیل نداشتن زمینه لازم و کافی هنوز در ابتدای راه هستیم.

مدیر فنی